



علیرضا صومث اکبر/ ایران

«الزامات سیاست گفت‌وگو» در میزگرد «ایران» با حضور کیومرث اشتریان و شریف لک‌زایی

# گفت‌وگو با کی؟ و درباره چی؟

درباره «خیر عمومی» و «سیاست آزادی» باید به توافق و فهم مشترک برسیم

مهسا رضانی  
خبرنگار

بی‌شک، جامعه‌ای که خود را به «سیاست گفت‌وگو» ملزم می‌کند در گذار مسائل و بحران‌هایش کارآمدتر عمل خواهد کرد. هرچه فرهنگ، «گفت‌وگویی‌تر» شود «توافق ملی» بررنگ‌تر خواهد شد. «خانه ملی گفت‌وگوی آزاد» هم در همین راستا صورت‌بندی و تصویب شد. گفت‌وگو مادامی می‌تواند اثربخش شود که در عمل، به یک «سیاست» (policy) منتهی شود. اما «سیاست گفت‌وگویی» چه الزامات و پیش شرط‌هایی دارد؟ این گفت‌وگو باید بین چه گروه‌ها و نهادهایی شکل گیرد تا بتوان مدعی شد اکثریت جامعه را نمایندگی می‌کند؟ در این گفت‌وگوها قرار است برس‌چه موضوعاتی به توافق و مفاهمه اجتماعی برسیم؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها میزگردی با حضور دکتر کیومرث اشتریان، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و دکتر شریف لک‌زایی، استاد علوم سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی شکل دادیم که در این نشست، اساتید به نکات قابل تأملی اشاره می‌کنند.

■ **یک «گفت‌وگوی مؤثر» برای اینکه منجر به اتفاقات عملی و بازسازی‌های اجتماعی و فرهنگی شود چه بسترها و شروطی باید داشته باشد؟**

دکتر کیومرث اشتریان: «گفت‌وگو» را نباید به «حرف زدن» تقلیل داد هر چند که حرف زدن «مفاهمه» می‌آفریند و راه را بر گفت‌وگو می‌گشاید اما گفت‌وگو مستلزم حداقل دو ابزار عملی است:

۱. ساختارهای حقوق اساسی دچار انسداد نباشد. ۲. به «سیاست گفت‌وگو»، «سیاست آزادی» و «سیاست اصلاح» پایبند باشیم. در چنین بستری است که «گفت‌وگو» معنا می‌یابد. اما اگر قرار باشد برس‌ر موضع خود بایستیم «جدل» به جای «گفت‌وگو» می‌نشیند.

در این صورت، «گفت‌وگوها معطوف به به سیاست» یا «گفت‌وگوها معطوف به راه‌حل» نخواهند شد و ما تنها با حجابی از «گفت‌وگوهای ژورنالیستی» مواجه خواهیم شد؛ به نظر می‌رسد اکنون بیشتر

بر این مشی حرکت کرده‌ایم از همین رو است که لزوم گفت‌وگوی جدی در میان اهالی سیاست و در فضای نخبگانی ما طرح شده است.

■ **«سیاست آزادی» را چطور تبیین می‌کنند؟**

اشتریان: «سیاست آزادی» در قالب قانونگذاری، سیاست‌های امنیتی و سیاسی و در اثر تعامل گروه‌های مختلف اجتماعی خود را نشان می‌دهد. البته این در صورتی است که سیاست‌های امنیتی و سیاسی، خود سازنده انسداد نباشند. دکتر شریف لک‌زایی: آزادی و آزاداندیشی در ذات انقلاب اسلامی است. در نگاهی کلان، معتقدم برای این روزهای ما، دیدگاه‌های امام موسی صدر که آن را در کتاب «درآمدی بر اندیشه سیاسی امام موسی صدر» تبیین کرده‌ام بسیار می‌تواند راهگشا باشد. «گفت‌وگوی مؤثر» از دیدگاه ایشان با «احترام» و «اعتقاد» متقابل میسر می‌شود. البته می‌توان به الزاماتی دیگر، از جمله موسی صدر برمی‌شمرند شروط دیگری همچون اصل آزادی، امنیت، عدالت و برابری در گفت‌وگو و اخلاق را هم اضافه کرد.

از سوی دیگر، هابرماس وقتی از «عمل ارتباطی» حرف می‌زند آن را مبتنی بر زبان و قلم و در بین دوفاعل صورت‌بندی می‌کند. در این میان شرایط تقارن را برابری حقوق و قدرت میان مشارکت‌جویان گفت‌وگو اهمیت می‌یابد. حتی اگر یکی از طرفین به لحاظ نفوذ و سرمایه و اقتدار و جایگاه واجد قدرت بیشتری باشد، باید این تقارن را برقرار کرد.

یعنی وقتی یک تصمیم عمومی به نام «خیر عمومی» می‌گیریم، معمولاً اقلیتی از مردم را منتفع می‌کنیم. بنابراین، آن اقلیتی که بازی را می‌برد باید عرصه را برای برد دیگر بخش‌های جامعه و دیگر اقلیت‌ها هم باز بگذارد. در جامعه ما اما این راه با انسدادهایی مواجه است. در واقع می‌خواهم بگویم «خیر عمومی» نتیجه «قراردادی اجتماعی» است که مبتنی بر چهارچوب‌های نهادی است و این نهادها باید قابل انعطاف و قابل تغییر و تحول باشند.

نکنه سوم و مانع دیگر ما در تبدیل نشدن گفت‌وگوها به «سیاست» این است که طرفین گفت‌وگوها به یکدیگر اعتماد لازم را ندارند و از این‌رو راست که به نظر می‌رسد به درجاتی، طرفین گفت‌وگو روی یخ لیز می‌خورند و نمی‌توانند راجع به موضوعات خاص ثبات فکری و تحلیل مشخص داشته باشند و بر اساس آن وارد گفت‌وگو شوند. به عنوان مثال وقتی می‌خواهند راجع به محیط زیست، سیاست اقتصادی یا سیاست فرهنگی خاصی صحبت کنند، پیش از آنکه خود به یک اجتهادی راجع به آن موضوع برسیده باشند، صرفاً به این می‌اندرشوند که طرف مقابل، قابل اعتماد نیست تا حرفش را بشنوم! چون این اعتماد، کم شکل می‌گیرد، هیچ‌گاه به ثبات نمی‌رسند. اگر با یک فعال محیط زیست یا کسی که روی آسیب‌های اجتماعی ... کار می‌کند، مواجه می‌شوند اولین چیزی

بخش‌هایی از آن نیاز به تعمیر و اصلاح دارد، باید سریعاً به این اصلاح مبادرت کنید چراکه در صورت وقوع زلزله و سیل نمی‌توانید خرابی‌ها را تنها به گردن سیل و زلزله بیندازید. این در حالی است که اکنون ما نخست نگاه می‌کنیم به رسانه‌های خارجی چه می‌گویند تا همه اتفاقات را به آنان نسبت دهیم و اینچنین از سهم خود در بروز وقایع غافل می‌شویم. این باعث می‌شود تا راه گفت‌وگو بسته شود. بنابراین برای شکل‌گیری یک «گفت‌وگوی سازنده»

ابتدا باید این گشودگی را داشته باشیم که شاید ما هم اشتباهاتی در داخل داشته‌ایم که مورد سوء استفاده جریان‌های رسانه‌ای خارج قرار گرفته است. ■ **دکتر اشتریان «خیر عمومی» را به عنوان موضوع گفت‌وگو در شرایط کنونی لازم دانست. حال می‌خواهیم از شما بشنوم که شما گفت‌وگوی ملی را بر سر چه موضوعی لازم می‌بینید؟**

**لک‌زایی:** معتمدیم اکنون باید بر سر «آزادی» یا «سیاست آزادی» به یک مفاهمه اجتماعی برسیم. متأسفانه، گاهی خیلی دیر به ضرورت گفت‌وگو بی‌نیسیم، رفتارهای ما در برخی سطوح به اعم از گفت‌وگوی مردم با نظام سیاسی، دولتمردان یا نخبگان، روشنفکران با دولت و مردم و حتی نخبگان با هم به آزادی معتمدیم، نخست می‌پرسیم: «تعریف آزادی چیست؟» من احساس می‌کنم این شیوه از بحث گمراه‌کننده

■ **اشتریان: آزادی از گوشه اتاق یک فرد دانشگاهی یا حوزوی تعریف نمی‌شود. آزادی یک تجربه است؛ به قول شهید بهشتی «انسان شدنی است مستمر و پویایی است خودآگاه» آزادی هم از همین مقوله است. افراد یک جامعه آزادی را به تدریج می‌سازند. چیزی که امروز تحت عنوان آزادی می‌خواهید به آن برسید با آن چیزی که چهل سال پیش تحت عنوان آزادی طلب می‌کردیم، خیلی متفاوت است. بنابراین باید ببذیریم که آزادی عملی است که در «فرایند گفت‌وگو» به‌دست آمده و به تدریج ساخته می‌شود.**

که به ذهن‌شان خطور می‌کند این است که شاید او جاسوس باشد یا به جریان خاصی وصل باشد و همین بی‌اعتمادی، مانع گفت‌وگوی مؤثر می‌شود. می‌خواهم بگویم این جسس مواجهه باعث می‌شود ما در تحلیل‌هایمان مرتب بلغزیم وثبات نداشته باشیم و چون هیچ‌گاه آن اطمینان لازم میان ما شکل نمی‌گیرد، «گفت‌وگوی معطوف به سیاست» هم اتفاق نمی‌افتد. مثلاً ۲۰ سال زمان می‌برد تا بفهمیم احمد زین‌آبادی، فرد بدخواهی نیست تا ببذیریم در تحلیل وقایع اخیر او را طرف گفت‌وگو قرار دهیم.

نکنه چهارم اینکه، تردیدی در دشمنی رسانه‌های خارجی و بدبینی آنان نیست؛ ولی مسئله اینجا است که وقتی شما خانه‌ای دارید و احساس می‌کنید که

این متن هم به تأیید مردم رسیده است. بنابراین، می‌تواند مبنای عمل و محور گفت‌وگوی ما باشد. اگر نقص و ایرادی هم هست مجدداً اصلاح و تکمیل شود و به سمت جلو حرکت کنیم.

مرحوم نائینی در بحث از دولت، دو نوع از دولت را ترسیم می‌کند: نخست، دولت تملیکیه یا استبدادیه که منظور از آن دولتی است که در آن دولتیان و کارگزاران منسوب به دولت هر کاری که بخواهند انجام می‌دهند و دوم دولت ولایتیه است که مبتنی بر آزادی و مشارکت و گفت‌وگو است. ایشان خلاصه‌گاه دولت تملیکیه را خود ملت می‌داند که چنین دولت و تعاملی را می‌پذیرد و اگر بخواهد چنین تعاملی از بین برود، باید جامعه با خودآگاهی و معرفتش ساختار ذهنی خود را تغییر دهد و به سمت دولت ولایتیه حرکت کند که در رأس آن مفهوم «آزادی» قرار می‌گیرد. بنابراین، «جیستی خیر عمومی» در نتیجه مشارکت و گفت‌وگوی اجتماعی مشخص شده و بر سر آن توافقی صورت می‌گیرد.

■ **فرمودید که آزادی و آزاداندیشی در ذات انقلاب اسلامی است. در این ۲۳ سال چقدر «سیاست آزادی» را پیش برده‌ایم و خود را به این آرمان انقلاب نزدیک کرده‌ایم؟**

**لک‌زایی:** دوسه سال بعد از انقلاب، از شهید بهشتی سؤال می‌شود که آیا آزادی به عنوان یکی از محوری‌ترین شعارها در جریان انقلاب، محقق شده است؟ ایشان صراحتاً می‌گوید: خیر! وقتی از ایشان پرسیده می‌شود که در این وضعیت چه باید کرد؟ می‌گوید: «آزادی باید به یک واقعیت اجتماعی بدل شود»، یعنی در درون مناسبات‌مان به گونه‌ای عمل کنیم که این مناسبات بر اساس روابط آزاد شکل گیرد و از دل جامعه بربیاید. بنابراین، اگر آزادی که در ذات انقلاب اسلامی ما بود «تمرین»، «اصلاح» و «تقویت» می‌شد و به اجماع درمی‌آمد و به «واقعیت اجتماعی» بدل می‌شد می‌توانست امروز در درک وضعیت اجتماعی‌مان به ما کمک کند. شاید باید یک نوع تعلیم و تربیتی اتفاق می‌افتاد که از آن بشدت غافل شدیم. خشونت‌هی که این روزها شاهد هستیم، محصول طبیعی چنین غفلت‌هایی است.

شهید بهشتی از ابتدا شخصیتی گفت‌وگویی بود و از دهه ۳۰ از «تشکیلات»، «تشکل»، «نهاد» و «حزب» حرف می‌زد. معتمدیم یکی از دلایل حل‌نشدن بحران‌ها در جامعه ما و تشدید آنها به این دلیل است که ما نتوانسته‌ایم کنار هم قرار بگیریم و با یکدیگر گفت و شنود داشته باشیم. وقتی تشکل و تشکیلات اتفاق می‌افتد که افراد کنار هم می‌نشینند و بر اساس یک هدف خاص حرکت می‌کنند تا به مرور اجماع و فهم اجتماعی شکل گیرد و مطالبات و خواسته‌ها تعدیل شود اما چون فاقد چنین مجموعه‌ها و تشکل‌هایی هستیم، رفتارهای ما در برخی سطوح به سمت خشونت و بی‌اخلاقی‌ها رفته است. **اشتریان:** یکی از آفات تفکر در رباب آزادی این است که تا می‌خواهیم از آزادی بی‌فهمی معنی است که بر احساس می‌کنم این شیوه از بحث گمراه‌کننده

## ” اشتریان: آزادی از گوشه اتاق یک فرد دانشگاهی یا حوزوی تعریف نمی‌شود. آزادی یک تجربه است؛ به قول شهید بهشتی «انسان شدنی است مستمر و پویایی است خودآگاه» آزادی هم از همین مقوله است. افراد یک جامعه آزادی را به تدریج می‌سازند. چیزی که امروز تحت عنوان آزادی می‌خواهید به آن برسید با آن چیزی که چهل سال پیش تحت عنوان آزادی طلب می‌کردیم، خیلی متفاوت است. بنابراین باید ببذیریم که آزادی عملی است که در «فرایند گفت‌وگو» به‌دست آمده و به تدریج ساخته می‌شود.

تا به یک منتتاهی مطلوبی برسد. ولی ما در مراکز علمی‌مان این جنس گفت‌وگوها را نداریم و اگر برآیند یک مقاله‌ای می‌تواند به سیاسی هم منتهی شود، چون «اجماع (نظری) پیرامون آن شکل نمی‌گیرد عملاً مجالی هم برای اثرگذاری و بدل شدن به «سیاست» نمی‌یابد.

به اعتقاد من، ما باید بر سر همین مناسبات، تعاملات و ارتباطاتی که می‌تواند وضع ما را در جامعه بهبود بخشد، گفت‌وگو کنیم. قانون اساسی ما مهم‌ترین مدنی است که بر اساس آن باید تعاملات سیاسی و اجتماعی‌مان را شکل دهیم. قانون اساسی ما به دنبال یکسری گفت‌وگوها شکل گرفته و به اینجا رسیده است. بخشی از نخبگان جامعه در خصوص متن قانون به اجماع رسیده و ارزش‌های متکثری هم ندارد، ولی

■ **یکشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۱**

■ **سال بیست و هشتم**

■ **شماره ۸۰۵۱**

۱۵

اندیشه

«عقل مدنی» و نقش آن در ایجاد گفت‌وگو

در فقدان گفت‌وگو، جامعه به تخریب، خشونت و ابراز تنفر منحرف می‌شود

▲ **دکتر مرتضی یوسفی‌راد**

استاد فلسفه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



براساس تراث عقلی ما، پایه و مایه اساسی اندیشه‌های حکمی-فلسفی بر «عقل» است. فلاسفه اسلامی ما در حکمت عملی و بالخصوص مدیریت جامعه به‌عنوان سیاست مدن، بر ضرورت «عقل مدنی» تأکید می‌کنند و معتقدند که مدیریت مدنی جامعه زمانی می‌تواند استوار و پایدار باشد که جامعه بر پایه «عدالت» و «عقل مدنی» و به‌دنیال آن با «اعتدال مدنی» مدیریت و ساماندهی شود و در

این میان، «گفت‌وگو» از مهم‌ترین لوازم عقل مدنی است.

عدالت و اعتدال مدنی و همچنین فهم خیر عمومی در یک جامعه تنها از رهگذر گفت‌وگو و مشارکت مدنی و در ادامه رضایت‌مندی محقق خواهد شد. عقل مدنی حکم می‌کند که افراد ضمن داشتن بهره‌مندی‌های فردی از منابع و امکانات، باید با مدیریت دولت بر سر خیر مشترک‌شان گفت‌وگو کنند تا به فهم مشترکی از «خیر عمومی» برسند.

۲ اتفاقات اخیر جامعه ما نشان داد که مشکل ما در امر گفت‌وگو، زیرساختی است و آنچنان که باید نتوانسته‌ایم با نسل جوان‌مان بر سر مسائل ملی و فراملی به یک تفاهم و توافق برسیم. در این فضا، قبل از هر چیزی باید جامعه را به سمت خردورزی پیش ببریم و مبنای این عقل نه عقل نظری و رویکردهای آسمان‌گرایانه بلکه باید عقل مدنی و مبتنی بر حل مسائل عینی جامعه باشد. ما هنوز نتوانسته‌ایم مصالح، منافع و خیر عمومی را برای نسل امروز فهم‌پذیر کنیم. بنابراین آنان درعمل با یک علامت سؤال بزرگ در حوزه خیرعمومی مواجه شده‌اند به گونه‌ای که امروز برخی از آنان از اساس همه چیز را تکفیر می‌کنند. ما هنوز بر سر اینکه چه چیز به ما هویت می‌بخشد گفت‌وگو نکرده و اتفاق نظر نداریم و در فهم‌پذیر کردن این مهم بخش‌های مختلف جامعه را یکنار نگرفته‌ایم و پیامد آن بحران‌هایی است که این روزها در کف خیابان شاهد هستیم. فارغ از مسأله هویت، بحث آزادی و عدالت و بحث مصالح و منافع مشترک‌مان مسائلی دیگر هستند که ما هنوز ابعاد آن را برای جامعه خصوصاً نسل امروز مشخص نکرده‌ایم و به همین دلیل است که امروز و اکنون برای جامعه ایرانی گفت‌وگو بیش از هر سیاست دیگری ضرورت دارد.

۳ در فقدان گفت‌وگو، جامعه به جای اینکه به مسائل عمومی خود فکر کند، بخش‌هایی به تخریب، خشونت و ابراز تنفر و بخش‌هایی به منفعت‌طلبی و طمع‌ورزی و خودخواهی فکر می‌کند. دولتمردان، باید جامعه و طبقات و اقشار مختلف را به مشارکت مدنی و گفت‌وگو دعوت کنند. معترضان را به رسمیت شناخته و آنان را فهم‌کنند یا هم بر سر «مصالح عمومی» توافق کنند و از بدنه جامعه راه‌حل بطلبند. این خود یک آرامش اجمالی و کوتاه‌مدت تولید می‌کند و زمینه را برای کارهای اصلاحی جدی فراهم خواهد کرد.

و کامیابش اقتصاد و... را مدیریت کرده و مرتب تقویت می‌شود و عملاً فضا را بسته است.

■ **طرفین این گفت‌وگو چه کسانی یا چه نهادهایی باید باشند تا بتوانیم مدعی شویم که اکثریت جامعه را نمایندگی می‌کنند؟**

**لک‌زایی:** آن چیزی که اکنون ضرورت انقلاب اسلامی است، گفت‌وگوهای فکری و فرهنگی و سیاسی نخبگانی است که از ابتدا هم مورد تأکید انقلاب بوده است. آزادی و آزاداندیشی جزو لوازم انقلاب اسلامی و شروط تحقق آن بوده است و بدون اینها هم انقلاب اسلامی راه به جایی نخواهد برد. همان‌طور که مقام معظم رهبری نیز می‌فرمایند: «نباید از آزادی ترسید و از مناظره و درخبت و نقد و انتقاد را به کلای قاچاق و یا امری تشریفاتی تبدیل کرد.» البته ایشان شاید از است که بحث «کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی» را مطرح می‌کنند و از جدی گرفته نشدن آن گلایه دارند.

مرحوم شهید بهشتی هم آزادی را به معنای یک قدرت و توان در تصمیم‌گیری برای انجام امور و انتخاب مسیر زندگی در نظر می‌گیرد. اگر از این منظر نگاه کنیم، باید گفت‌وگوهای جدی، مؤثر و قابل اعتبار و اعتمادی راجع به مباحث فرهنگی بین نخبگان ما شکل گیرد. آن چیزی که این روزها عملاً اتفاق می‌افتد، گفت‌وگوهای سیاسی است؛ به فکری و فرهنگی احتی گفت‌وگوهاست؛ که مسأله اقتصاد و معیشت را هم مدنظر دارد باز مبتنی بر بحث‌های سیاسی است. معتمدیم، آن چیزی که در کف جامعه می‌گذرد، جنبش نیست، شورش است ولی در عین حال، هدف و مطالباتی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد و می‌توان راجع به همین مطالبات صحبت کرد و عمدتاً هم محوریت سیاسی خواهد داشت و باید به یک نتایج ملموس و فوری منجر شود و مردم اثرات آن را احساس کنند. ساختار سیاسی هم به گونه متفاوتی می‌تواند امکان گفت‌وگو و فضای سیاست‌ورزی مفید و مؤثری را فراهم کند. طبیعتاً وقتی همه گرایش‌های سیاسی که قانون اساسی را پذیرفته‌اند در عرصه سیاست‌ورزی حضور داشته باشند، باب گفت‌وگو باز خواهد ماند و انسدادی بوده‌ اما پرشش اصلی اینجا است که چرا هر چه می‌گذرد از آن دورتر می‌شویم؟ به دست آمده و به‌تدریج ساخته می‌شود. دکتر لک‌زاییی به نکته درستی اشاره کردند، آزادی در ذات انقلاب اسلامی بوده‌ اما پرشش اصلی اینجا است که چرا هر چه می‌گذرد از آن دورتر می‌شویم؟ در فضای سیاسی مشاهده نمی‌شود. سیاست هم به سطح نازلی تنزل نمی‌یابد. بنابراین اگر اجازه هدم باز ایجاد شود که در فضای سیاست‌ورزی ما امکان فعالیت گروه‌های وفادار و معتقد به قانون اساسی فراهم شود، به حل مسائل کمک و این نگاه، رسانه ملی، نهاد‌های حوزوی